

علی مجتهدزاده وکیل دادگستری در گفت‌وگو با هم‌میهن:

قدرت سیاسی و قضایی اگر مهار نشود منجر به بروز مفسده می‌شود

«عملکرد قوه قضائیه را در دوران آقای اژه‌ای در برخورد با مفسدان منتسب به قدرت در مقایسه با دوره‌های قبل به‌ویژه دوره ریاست آقای رئیسی در قوه قضائیه چطور ارزیابی می‌کنید؟

من به صورت کلی مقایسه می‌کنم. معتقدم بیشترین مفسده در زمان ریاست آقای لاریجانی رخ داده است. در زمان آقای رئیسی خیلی به گستردگی آن قائل نیستم. من ایشان را در مقام قضاوت آدم منصفی می‌دانم و در زمان آقای لاریجانی بود که قضات مفسد خیلی پر و بال گرفتند. نمره آقای لاریجانی را در بحث مبارزه با فساد صفر می‌دانم و نمی‌گویم که همراه با مفسدین بودند اما فساد در آن دوره گسترده‌تر شد. به آقای محسنی‌اژه‌ای با این اقدامی که انجام داد نمره مثبت می‌دهم و معتقدم اقدامات ایشان جامعه را به احیا و بسط عدالت امیدوار می‌کند؛ البته به شرط آنکه اصلاحات ادامه‌دار باشد و در پرونده‌ها نیز شفافیت وجود داشته باشد. بعلاوه پرونده‌های مهمی که برای جامعه مهم است به صورت شفاف و علنی برگزار شود. این توقع زیادی نیست چراکه میزان اعتماد به قضاات پایین است و برای جلب اعتماد باید کارهایی انجام شود که این اقدام اخیر قوه قضائیه یکی از آن‌ها است منتهی باید ادامه داشته باشد. اساساً مسئله بنیادینی که موجب این دست فسادهای اعتمادسوز در کشور می‌شود، همین عدم شفافیت است. عدم شفافیت از فرآیندهای تصمیم‌گیری و مرادوات اقتصادی بگیرد تا محاکم و دادگاه‌ها. در همین مورد آقای صدیقی، هنوز جامعه نمی‌داند که ماجرای زمین‌های ازگل به کجا رسید؟ آیا پرونده اخیر بستانگان آقای صدیقی ربطی به این موضوع دارد یا خیر؟ نقش خود ایشان در این ماجراها چه بوده؟ چقدر از نفوذ و قدرت ایشان در این موارد استفاده شده است و ده‌ها سوال دیگر از این دست. من روند امور در دستگاه قضایی را مثبت می‌دانم و در مورد این پرونده هم چنین است اما قطعاً این فرایندها باید به مراتب شفاف‌تر شوند تا اعتماد آفرین باشند. بر خورد تنها و صرف محاکمه بستانگان آقای صدیقی و یا هر مفسد دیگری کافی نیست. مثال آن هم ماجرای آقای بابک زنجانی است. الان جامعه چقدر قانع شده که ایشان بدهی و ضررش به بیت‌المال را جبران کرده و بدون رانت و فساد و نفوذ توانسته از اعدام‌ها شود و فعالیت‌های تازه اقتصادی را آغاز کند؟ فرض بگیرد تمام آن فرآیند قانونی و بدون کوچکترین ایرادی طی شده باشد اما وقتی شفاف نباشد، جامعه اعتماد می‌کند؟ یعنی محصول نهایی این فرآیندهای مبارزه با فساد باید ایجاد اعتماد عمومی باشد که آن هم مستلزم شفافیت است. الان در پرونده بستانگان آقای صدیقی هم مسئله همین است و امیدوارم همانطور که قوه قضائیه حرکت رو به جلو دارد، در این مورد هم شاهد گام‌های جدیدتری باشیم چون افزایش شفافیت در فرآیند رسیدگی به موضوع و همینطور محیا کردن امکان تحقیق و گزارش دهی مستقل برای رسانه‌ها از این پرونده، حتماً تأثیر بسیار بزرگی بر احیاء اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی خواهد گذاشت. این آورده و نتیجه مهم ملی نباید قربانی حفظ احتمالاً چند نفر آدم متنفذ و دخیل در این پرونده شود.



خبر بازداشت پسران کاظم صدیقی یکشنبه شب در رسانه‌ها منتشر شد و براساس آنچه طی یک سال گذشته حواشی این شخصیت که اتفاقاً امام جمعه تهران نیز هست، رخ داده بود بیش از اینکه عجیب تلقی شود، با این برداشت همراه بود که قوه قضائیه گام مهمی در مبارزه با فساد برداشته است. در این زمینه گفت‌وگویی با علی مجتهدزاده، حقوقدان داشته‌ایم که در ادامه می‌آید.

«طی روزهای اخیر خبر دستگیری فرزند آقای صدیقی منتشر شده است، با توجه به اینکه فعلاً جزئیاتی از این پرونده منتشر نشده و موضوع قابل تأمل بازداشت بستانگان یک چهره متنفذ آن هم به دلیل «زد و بند» است، تحلیل‌تان از این اتفاق چیست؟

در خصوص آقای صدیقی شائبه‌هایی مطرح بود مبنی بر اینکه اطرافیان ایشان در پی کسب مال نامشروع فعال هستند. اما در آن زمان (دوران ریاست آقای لاریجانی بر قوه قضائیه)، و این مسائل به جایی نرسید. کما اینکه در خصوص افراد دیگر نیز این موضوع مطرح بود که الان نیز سمت‌های عالیه دارند. در مجموع رویکرد کنونی قوه قضائیه در برخورد با ایشان اقدامی شجاعانه و قابل تقدیر است، با توجه به اینکه ایشان هم مشاور رئیس قوه قضائیه هستند و سمت‌های دیگری نیز دارند و به عنوان امام جمعه و رئیس ستاد امر به معروف فعال بوده است و یک خاستگاه قدرتی پشت وی است. اما اینکه فکر کنیم این اتهام صرفاً به فرزند ایشان مربوط است، چندان قائل به آن نیستیم. نمی‌شود کسانی از نزدیکان شما در کسب اموال نا معلوم فعالیت داشته باشند و از برند نام شما استفاده کنند اما از آن اطلاعی نداشته باشید. اگر چنین نبود، چه جایگاهی داشتند که بتوانند در این ابعاد و وسعت دست به اقدامات خلاف قانون بزنند؟

«آیا قدرت سیاسی این اسکان را فراگیرتر می‌کند که مسئله زمین‌خواری و فسادهایی با این ابعاد گسترده با شدت و امکان بیشتری انجام شود؟

قطعاً بله. معمولاً اقدامات فساد انگیز به قدرت سیاسی هم باز می‌گردد چرا که فرد اگر قدرت سیاسی نداشته باشد اساساً جایگاهی هم برای انجام چنین اقدامات نامشروعی ندارد. من قائل به این نیستم که تنها آقازاده‌های آقای صدیقی متهم به چنین کاری هستند، در مجموع این اتهامی است که به بسیاری از صاحبان قدرت وارد است. اما کسی که به عنوان امام جمعه تهران منصوب می‌شود باید ظرف عدالت و تدبیر و تأمل را در وجود خود داشته باشد و از آن‌ها موعظه کند. چگونه ممکن است اطرافیان چنین فساد را مرتکب شوند. چرا که اقدامات نامشروع در جریان یکسری از اقدامات و منافع که برای دیگران حاصل می‌شود رخ خواهد داد.

این ساده‌اندیشی است که این اتهام را تنها به فرزند این مقام محدود کنیم و باید برای بسیاری از مقامات و فرزندان آن‌ها ارزیابی‌های مورد نیاز انجام شود. قطعاً قدرت سیاسی و قضایی اگر متوقف و مهار نشود، منجر به بروز این مفسده‌ها خواهد شد.

آنها برخورد نشود. ضمن اینکه بهتر است فرزندان مسئولان عالی کشور، در کارهایی که احتمال می‌رود از آنها بوی رانت استشمام شود، ورود نکنند. بارها این موضوع گفته شده است که مسئولان عالی‌رتبه کشور، فرزندان‌شان را از ورود به پروژه‌های اقتصادی پرهیز دهند. به نظر ما باید این رویه به صورت یک قاعده کلی باشد و به منظور جلوگیری از هرگونه انحرافی، این قاعده برای همه مسئولین اجرا شود.

«تاکید شده که به دور از فشار رسانه‌ای فعالیت قوه قضائیه انجام می‌شود. نقش رسانه‌ها در این میان چگونه بوده‌است؟ اگر رسانه‌ای وجود نداشت آیا همین روشن‌گری‌ها و برخورد‌ها وجود داشت؟

این موضوع از برکات وجود رسانه‌هاست. اگر رسانه‌های ما، وضعیت مستقل‌تر و آزادتری داشتند، قطعاً این فسادها اتفاق نمی‌افتاد و افراد به کارهای خلاف وارد نمی‌شدند که الان بخواید پیگیری شود. منظور من این است که رسانه‌های مقتدر و قدرتمند می‌توانند چنان اصلی را برای جامعه ایجاد کنند که براساس آن اصل، مردم مطالبه‌گری‌های بزرگی را از مسئولان کشور داشته باشند و آن مطالبه‌ها، جلوی این نوع فساد‌ها را می‌گیرد.

قانون مشخص کرده است که هر مورد از سوءاستفاده مانند اختلاس، سوءاستفاده از مقام، اختلال در نظم اقتصادی و... چه جرمی دارند، اما مسئله این است که اطلاع‌رسانی نیاز به قانون ندارد بلکه وظیفه بنیادی نظام حکومتی است. به‌ویژه از نظر برقراری ارتباط با جامعه، نظام حکمرانی باید به سمت افناع افکار عمومی برود

چرا که این کار به نفع خودش است، اما پنهانکاری می‌شود. از طرف دیگر دادگاه‌ها باید علنی برگزار شود و علنی بودن به این معنا است که خبرنگاران حضور داشته باشند و گزارش دادگاه نیز به صورت کامل منتشر شود و در نهایت نیز رای دادگاه اعلام شود اما این موارد اتفاق نمی‌افتد و معمولاً در سایه پنهان است و خبری نیز از آن داده نمی‌شود. همین امر میدان بازتری برای سوءاستفاده از قدرت ایجاد می‌کند. یک نمونه‌ای که اخیراً رخ داد در مورد پسر یک نماینده مجلس بود که در پی راندگی با یک افسر نیروی انتظامی تصادف کرده است. خبر منتشر شد و بعد از آن دیگر کسی چیزی نگفت و معلوم نشد که دقیقاً چه اتفاقی رخ داده است و متأسفانه روزنامه‌نگاران و مطبوعات مانیز خیلی زود پیگیری خبر را رها می‌کنند. اینها هم حاشیه امنی است که میدان

مالکان و بازرس شرکتی که تخلف و جرم مطرح شده را انجام داده است؛ آمده بود و در نهایت صدیقی در پی اعلام جعل امضایش توسط فردی در این شرکت از این پرونده تبرئه شد و همان زمان نحوه برخورد با او و بستگانش به‌ویژه پس از آنکه مثلاً در همان زمان روزنامه همشهری عکس و تیتری در این باره منتشر کرد با عنوان «برخورد مومنانه، در ماجرای آقای صدیقی» و خواسته بود «مراقب باشیم به اسم عدالتخواهی، گرفتار ظلمی بزرگ نشویم» بحث بسیاری ایجاد کرد. البته که سخنان و درخواست مطرح‌شده، بسیار خوب و پسندیده بود اما همان روزها در واکنش و انتقاد به این تیتتر گفته شد؛ این خواسته چرا پیش از این دربار مردم و پرونده‌های دیگر مثلاً فعالان رسانه‌ای و سیاسی مطرح نشده است.

همین اتفاقات سال‌های گذشته و عدم افناع افکار عمومی در نحوه واکنش به پرونده باغ ازگل؛ باعث واکنش‌های بیشتر این روزها به موضوع بازداشت بستانگان صدیقی شد و در پی همین است که مثلاً «پاد» که در بالا به توثیش اشاره شد، عملکرد قوه قضائیه را «برخورد مومنانه» عنوان کرده است و البته این بازداشت از نگاه بسیاری مهم و «گام مثبت» قوه قضائیه در مبارزه با فساد در سطوح بالا دانسته شده است. البته این را هم باید در ادامه واکنش‌ها آورد که خود کاظم صدیقی در پی انتشار خبر بازداشت پسرش و احتمالاً عروسش گفت: «حدود یک هفته پیش فرزندم با دستور قضایی بازداشت شده و هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد تا دستگاه قضایی مراحل بررسی اتهام را طی کند. همه باید حافظ قانون باشند، اگر قانون درباره فرزندم تصمیمی بگیرد، تابع قانون هستم، زیرا همواره خود را حافظ قانون دانسته‌ام؛ اگر اتهامی که منتسب کرده‌اند درست باشد و ثابت شود، طبق قانون باید برخورد شود. بنده هیچ‌گونه پیگیری درباره بازداشت فرزندم نکرده‌ام و حتی دنبال ایشان نرفته‌ام.» و در پی افزایش انتقادات به حضور او در جایگاه خطیب نماز جمعه تهران عزت‌الله ضرغامی خبر داد: «امروز مهمان جناب حاج آقای صدیقی بودم. خدمت‌شان پیش نهاد دادم تا تعیین تکلیف پرونده قضایی فرزندشان اقامه‌ی امامت جمعه نکنند. خودشان هم چنین نظری داشتند.»

ما در هم‌میهن در پی اهمیت موضوع در افکار عمومی به سراغ علی مجتهدزاده و کامبیز نوروزی به عنوان دو حقوقدان و محمد مهاجری به عنوان فعال رسانه و کارشناس در این حوزه رفته‌ایم تا هم به اهمیت مبارزه با فساد در دستگاه‌های مختلف و هم پاسخگویی به مردم و افناع افکار عمومی در پرونده‌های مختلف مورد توجه مردم نگاهی داشته باشیم.

موضوع پسرش پیش آمد، کار درستی را انجام داد و استعفا داد. بعد از این موضوع انتظار جامعه این است که همانطور که آقای مصدق استعفا دادند، ایشان هم از حضور در شورای عالی قوه قضائیه استعفا دهند.

«الان که پسر آقای صدیقی بازداشت شده، حضور ایشان در رأس ستاد امر به معروف و نهی از منکر توجیهی دارد؟

بهتر نیست از این سمت هم استعفادهند؟ اینکه بخوایم بگوییم کسی فرزندانش دچار تخلف و اشتباهی شد، خود آن فرد فاقد صلاحیت است، به نظم قضاوت درستی نیست؛ هر چند که انتظار افکار عمومی جامعه این است که خانواده‌های مسئولین افراد سالمی باشند. چیزی که من درباره شورای عالی قوه قضائیه گفتیم، از جهت قضایی نبود، از جهت احترام به افکار عمومی بود که بهتر است کسی که فرزندانش متهم



تکذیب تابعیت فرزند قائم‌پناه

عباس رضایی شمرین، مدیرکل حوزه معاونت اجرایی و سرپرست نهاد ریاست جمهوری در تویتر نوشت: «آقای قدیری ابیانه ادعایی درباره معاون اجرایی رئیس جمهور مطرح کرده که قبلاً تکذیب شده است. فارغ از قضاوت دولت درباره قانون مشاغل حساس که مکرراً بیان شده؛ فرزندان دکتر قائم‌پناه تابعیت هیچ کشور خارجی را ندارند و مستندات آن چندین بار از سوی مراجع نظارتی کنترل شده است.» روز گذشته، محمدحسن قدیری ابیانه در گفت‌وگو با خبرفوری گفته بود: «فرزندان عارف و قائم‌پناه، تابعیت خارجی دارند و این نیاز به پیگیری مجلس دارد و قانون درست یا غلط باید اجرا شود. قائم‌پناه در ایام فتنه مهسا امینی با تلویزیون آمریکا مصاحبه کرد و گفت مهسا امینی را کشتند و بعد از آن با وجود اینکه ثابت شده او کشته نشده، بلکه مرده است، عذرخواهی هم نکرد. طبق قانون عارف نمی‌تواند معاون باشد اما من عارف را مساوی با ظریف و قائم‌پناه نمی‌دانم و اگر این مشکل تابعیت را نداشت، مخالف معاون اولی او نبودم. مجلس از سمت ظریف احساس خطر بیشتری می‌کرد و ظرفی از نظر من آدم خطرناکی است، زیرا تفکر خود را می‌تواند به دولتی‌ها منتقل کند.»

ادامه سر مقاله

اگر واقعاً چنین باشد باید به کلی ناامید شد زیرا برخورد با فساد تابع قانون است. اگر این گزاره درست باشد قطعاً نظر مقام رهبری را باید به عنوان نقدی علیه نهادهای مسئول در این زمینه دانست که به وظایف خود عمل نکرده‌اند. البته در جریان دادگاه‌های می‌توان به واقعیت ماجرای برد، به شرطی که همه اتهامات مطرح شود. گرچه آقای کاظم صدیقی اعلام کردند که در برابر قانون تابع هستند ولی مگر قرار بود نباشند؟ یا گفته‌اند که اگر اتهام انتسابی ثابت شود طبق قانون باید برخورد شود. مگر قرار است غیر از اینها انجام شود؟ مسئله مردم با ایشان این حرف‌ها نیست. مسئله این است که چرا آقای امام جمعه که در نماز جمعه مردم را توصیه به تقوا و اخلاق می‌کند، فرزندانش در شرکتی که به امور مالی مرتبط با اتهام اخیر درگیر هستند فعالیت دارند؟ (شرکت پیروان اندیشه‌های قائم!!) و آیا ممکن است که وی اطلاعی نداشته باشد یا اگر نداشته چگونه قادر به تهذیب فرزندان خود نیست که به این امور متهم می‌شوند؟ بله ممکن است فرزند هر شخصی، ناصالح شود ولی نه در خانه. آنان پیش از رسیدن به این مرحله، شناسایی و طرد می‌شوند. چرا آقای صدیقی به پاس حرمت نماز جمعه، خودشان استعفا نمی‌دهند؟ سهل است که مطلب عجیبی را هم به آقای رئیسی منتسب کرد تا خود را تبرئه و موجه کند. به قول آقای اژه‌ای که پس از انتشار خبر بازداشت پسران صدیقی اظهار شد: «اگر برای افراد خانواده وقت نگذاریم بعدها باید وقت بیشتری بگذاریم و جبران کنیم.» باید اضافه کرد، کسی که در گذشته حاضر به این وقت‌گذاری نبوده اکنون و پس از واقعه قادر به جبران نیست. مشکل روحانیون این است که ترکش این مسائل فقط به خودشان اصابت نمی‌کند بلکه خیلی چیزهای دیگر را زخمی می‌کند. مسئله فرزندان صدیقی نیست بیشتر فرزندان یکی از مقامات قضایی هم محکوم شدند آنها دو نفری بودند. فرزند نایب رئیس مجلس هم ورود ممنوع رفته و پلیس را مضروب می‌کند و بصورت کاملاً اتفاقی همه دوربین‌ها خاموش یا خراب است و فیلمی ضبط نمی‌شود. این‌ها نشانه‌های یک بیمار جدی در کلان امور است. بازداشت و زندان کردن این و آن آقازاده لازم است ولی مسئله‌ای را حل نخواهد کرد. فراتر از بازداشت باید ریشه‌یابی کرد. این پرسش مهم است که چرا فرزندان مقامات می‌توانند چنین زد و بندهایی را انجام دهند؟ هم امکانش را دارند و هم جسارت انجامش را دارند که ترس آنان را از عمل خلاف زایل می‌کند. فصل مشترک آنها پدران‌شان است. این فرزندان متخلف می‌توانند یا با اطلاع یا بی‌اطلاع پدران خود اعمال نفوذ کنند که حالت بدتر، اعمال نفوذ بدون اطلاع پدران است یعنی برای ورود به ماجرای فساد حتی نیازی به توصیه و دخالت پدران نیز نیست. فرزند یا آقازاده بودن به تنهایی مجوز دخالت و فساد است. در این باره باز هم باید نوشت.